



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی فضای جغرافیایی

سال بیست و چهارم، شماره‌ی ۸۶
تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۴۵-۶۰

ابوالفضل محمدی^۱
ابراهیم تقوی^{۲*}
کریم حسین زاده دلیر^۳

نقش سرمایه اجتماعی و اجتماعات محلی در توانمندسازی بافت های ناکارآمد شهری مطالعه موردی محله اسلام آباد زنجان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۴ . تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۴

چکیده

اجتماعات محلی در طول زمان و در گستره فضای محلات شکل ویژه خود را پیدا می کنند که نمونه مهم این فرم ویژه و خاص همانا سرمایه اجتماعی است. رابطه اجتماعی، عنصر پیوند دهنده کنشگران منفرد به یکدیگر است که این عنصر تحت تاثیر اندازه شهر می تواند کیفیتهای متفاوتی به خود بگیرد. یکی از مفاهیم منتج از این روابط، مفهوم سرمایه اجتماعی است که مولود روابط کنشگران در بازی های مکرر است. تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و با استفاده از آزمون های آماری ربط و پیوست متغیر سرمایه اجتماعی به توانمندسازی بافت های ناکارآمد شهری مورد سنجش قرار داده است. طبق نتایج سرشماری در سال ۱۳۹۰، ۳۵۸۲۰ نفر جمعیت در محله اسلام آباد هستند. از این رو ۱۱٫۲ درصد جمعیت شهر زنجان در محله اسکان غیر رسمی اسلام آباد سکونت دارند. در این تحقیق به روش نمونه گیری تصادفی ساده به سنجش تاثیر شاخص های متغیر سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی این محله پرداخته شده است. نتایج آزمون رگرسیونی حاکی از این است که توانمندسازی شبکه های اجتماعی و محله ای از تغییرات سرمایه اجتماعی متاثر می شود.

کلید واژه: سرمایه اجتماعی، اجتماعات محلی، توانمندسازی، بافت ناکارآمد

۱- دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

Email: Taghavi2014@gmail.com

*۲- گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران. (نویسنده مسئول)

۳- گروه شهرسازی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران

مقدمه

توانمندسازی اجتماعات محلی و بافت های ناکارآمد و سکونتگاه های غیررسمی استراتژی مهم نهادهای تاثیرگذار بین المللی همانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای دست یافتن به اهداف هزاره از جمله توسعه پایدار و کاهش قابل توجه فقر و نابرابری است. واژه توانمند سازی^۴ در بافت های اجتماعی- فرهنگی و سیاسی مختلف معانی متفاوتی را به خود می گیرد که شامل کنترل، قدرت متکی به خود، اتکاء به خود، انتخاب، زندگی شرافتمندانه مطابق با ارزشهای خویش، ظرفیت چالش و مقابله بر سر حقوق خویش، آزادی، آگاهی و توانایی می باشد که در درون نظامهای ارزشی و عقیدتی جای دارد (Narayan, 2002: 13-14). با این حال بانک جهانی تعریف رسمی این واژه را این چنین بیان داشته است: "توانمندسازی عبارت است از گسترش دارایی ها و توانایی های افراد فقیر به منظور مشارکت، چانه زنی، تاثیر گذاری، کنترل و حفظ موسسات پاسخگویی که زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می دهند. (Ibid). رویکرد توانمندسازی سکونتگاه های غیر رسمی که با توجه به مقیاس رشد شهرنشینی و افزایش سکونتگاه های غیر رسمی در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی بکار گرفته شده، مسئله سکونت غیر رسمی را در چارچوب رهیافت جامع تر تأمین مسکن و در ارتباط با اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاستگذاری ها و ابزارهای موجود مورد توجه قرار می دهد، به این مفهوم که تأمین مسکن برای اکثریت جمعیت شهری به صورتی کارآمد فقط از طریق رویکرد جامع توانمندسازی امکان پذیر است که شامل دسترسی به تأمین منابع مالی و اعتباری، زیرساختهای پایه و خدمات و به رسمیت شناختن تصرف و حق مالکیت آنها است (Petrella and You, 1999).^۵

توانمندسازی از این دیدگاه، استفاده صرف از خزانه دولتی نیست بلکه ایجاد زمینه بهره گیری از توان و منابع محلی این جوامع در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی است. زمینه مهم این منابع همان قدرت شبکه های مدنی و سرمایه های اجتماعی است. سرمایه اجتماعی ذات واحدی نیست. ماهیتهای متنوعی است که واجد دو عنصر هستند؛ همه آنها شامل جنبه ای از ساختار اجتماعی هستند و روابط واقعی کنشگران (شخصی، گروهی، تعاونی) را درون این ساختار تسهیل می کنند (Coleman, 1990; Spelleberg, 2001, 10). به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی شامل جنبه هایی از ساختار اجتماعی است که کنش جمعی را تسهیل کرده (Suzuki et al., 2010: 1368) و منابعی را جهت دستیابی مردم به اهدافشان در اختیار می گذارد (Chuang and Chang 2008: 1322) بنابراین همین که کنشگر وارد حوزه عمومی روابط اجتماعی شد، واجد سرمایه اجتماعی می شود. اما مالکیت سرمایه اجتماعی همانند کالاهای عمومی با توجه به تنوع آن متفاوت است به عبارت دیگر و از منظر اقتصاد سیاسی می توان صورتی ابزاری به آن داد. مفهوم سرمایه اجتماعی مانند هر مفهوم دیگری در حوزه علوم اجتماعی به سرنوشت دوگانه ای دچار شده است و حتی عده ای معتقدند که سرمایه اجتماعی هیچگونه معنای متمایزی ندارد (poortinga, 2006: 256).

4-Empowerment

5-self- power

6- self-reliance

پیشینه تحقیق

Azimi Ameli et al (2017) در مقاله ای به موضوع مدیریت شهری محله محور با رویکرد برنامه ریزی مشارکتی و سرمایه اجتماعی در محله های شهری منطقه ۱ شهرداری تهران پرداخته است. نتایج حاصل از مشاهدات میدانی و آزمون های آماری در این تحقیق نشان می دهد که بین میزان مشارکت مردم و مدیریت محله های شهری رابطه وجود دارد و با دخالت دادن مردم در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها، مدیریت مطلوب و پایدار محله های شهری محقق خواهد شد. (Boumsab Jine (2013، در مقاله ای تحت عنوان «ارتقا ظرفیت جامعه: نقش پیوند ادراکی و سرمایه ارتباطی اجتماعی و روابط عمومی در ساخت جامعه» کارکرده است و طی این بررسی پژوهشگران روابط عمومی به اینکه اقدامات روابط عمومی چگونه می تواند بهترین خدمات را به جوامع، مانند کمک به حفظ جامعه مدنی از طریق سرمایه اجتماعی، ارائه دهد علاقه مند شده اند. اقدامات روابط عمومی می توانند یک نقش محوری در رابطه های تربیتی با دیگر بازیگران اجتماعی بازی کنند و موجب ایجاد ظرفیت بیشتر در جامعه و سازمان های مرتبط با آن گردند ظرفیت اعضای جوامع برای کنترل مسائل و نگرانی های مشترک شکل گرفته این ظرفیت جامعه همچنین ممکن است توسعه پایدار را به وسیله ایجاد فرصتهایی برای ساکنان جوامع از طریق به اشتراک گذاشتن دسته جمعی آگاهی، مهارتها و تجربه تضمین نماید. اگر مردم ببینند که یک شرکت با استفاده از روابط عمومی میان کارکنانش و ساکنان محلی ارتباط ایجاد می کند آنها به احتمال زیاد باوری را در خود می پروراند که اعضای جامعه می توانند اختیار رسیدگی و حل مسائل و مشکلات خود را داشته باشند. (Poorn Arikal (2015، در مقاله ای تحت عنوان " توسعه مدل تقویت سرمایه اجتماعی برای آموزش جامعه پایدار" سرمایه اجتماعی و آموزش جامعه، مادام العمر وابسته به هم هستند اگر سرمایه اجتماعی قوی باشد آموزش جامعه پایدار خواهد بود اهداف این مطالعه تجزیه و ترکیب کردن اجزاء سرمایه اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی است. یافته های کانونی این مطالعات بر اجزاء سرمایه اجتماعی در آموزش جامعه پایدار تشکیل شده از: ۱- سرمایه انسانی ۲- سرمایه موسسه ۳- خرد علمی و فرهنگ ۴- منابع طبیعی ۵- بودجه اجتماع. بعلاوه این مطالعه تلاش می کند تا اجزاء تقویت سرمایه اجتماعی را در آموزش جامعه پایدار که شامل ۵ چرخه مراحل متکی به اعتماد اجتماعی ۱- اعتماد به مطالعات ۲- اعتماد در تصمیم سازی ۳- اعتماد در اجرا ۴- اعتماد در مزایا ۵- اعتماد در ارزیابی (Pei (2019، در پژوهشی با عنوان نقش روابط محله ای، ارتباطات اجتماعی و هویت محلی در هدف بازیافت زباله خانگی ساکنان به این نتیجه می رسد که روابط ساکنان محله و ارتباطات اجتماعی تأثیر مستقیمی بر اهداف بازیافت زباله ساکنان دارد.

مبانی نظری

چیستی بافت ناکارآمد

بافت ناکارآمد محدوده ای است که به علت ویرانی، برنامه ریزی ناقص و معیوب، تسهیلات ناکافی یا نامناسب، وجود کاربری های آسیب رسان، وجود ساختارهای غیر ایمن یا ترکیبی از این عوامل، برای ایمنی، سلامت یا رفاه

جامعه زیان آور است (Obermayr, 2017: 43). در تعریف دیگر آمده است که بافت ناکارآمد یعنی محوطه‌ای که در شرایط فعلی آن حداقل چهار یا پنج شرط ناکارآمدی وجود داشته باشد و اساساً باعث آسیب رساندن و ممانعت از رشد شهرها بشوند، این بافت‌ها روند احداث مسکن را کند کرده و یا ناتوانی اقتصادی، اجتماعی ایجاد می‌کنند و تهدیدی برای سلامت عمومی، ایمنی و رفاه اجتماعی محسوب می‌شوند (Dale, 2009: 115). در تعریفی دیگر بافت‌های ناکارآمد محدوده‌هایی از شهر هستند که به سبب وجود مشکلاتی که در گذر زمان بر ابعاد مختلف آن‌ها حادث شده، کیفیت و شرایط زیستی نامطلوبی را پیدا کرده‌اند؛ لذا نیازمند اقدامات موثر هستند (Babakhani et al., 2015: 117). اصطلاح نواحی ناکارآمد شهری (DUAS) به مناطقی اشاره دارد که زوال در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی آن به طور همزمان و در یک مقیاس مشخص روی می‌دهد و موجب بروز معضلاتی چون بیکاری، نزول کیفیت خدمات عمومی و دیگر تسهیلات در سطح محلی می‌شود. همچنین موجب به تعویق افتادن برنامه‌های چشم‌انداز توسعه‌ی شهر و تسهیلات مسکن شده، شرایط نا امن اقتصادی و اجتماعی پدید می‌آورد و تهدیدی جدی برای سلامت و رفاه عمومی محسوب می‌شود. بنابراین برای جستجوی عامل پیدایش این بافت‌ها تنها نمی‌توان به دنبال یک عامل بود، بلکه مجموعه‌ای از شرایط محیطی، اقتصادی و اجتماعی در این امر دخیل هستند. قدم اول در ارزیابی این بافت‌ها در نظرگیری مجموعه‌ای از معیارها و عوامل است. این معیارها اصلی‌ترین عوامل دخیل در مسئله را مشخص کرده و بدین ترتیب نقش مهمی در تبیین نوع مداخلات ایفا می‌کنند. عمده‌ی این معیارها توسط کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی مشخص و تدوین و توسط دیگر کشورها ملی‌سازی شده و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. (Sedghi & Nemati-mehr, 2016, p. 173). از جمله این معیارها مدل بریتانیایی آن است که معیارهای گوناگونی از جمله محرومیت و زوال، حاشیه‌نشینی، کاهش کیفیت ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها و تعدد مسکن متروکه در شناسایی بافت‌های ناکارآمد شهری در نظر می‌گیرد. برخی از پژوهشگران از تعیین مرزهای فیزیکی برای این نواحی پرهیز کرده و اصطلاح بافت ناکارآمد را به طور کلی به مناطقی اطلاق می‌کنند که زوال کالبدی روند بروز معضلات اجتماعی و تخلیه‌ی بافت از جمعیت را تسریع بخشد. برخی دیگر مرزهای جغرافیایی ناحیه‌ی ناکارآمد شهری را برابر با مناطق داخلی شهر که مرکز شهر (CBD) را احاطه می‌کنند دانسته و معیارهای شناسایی آن را از دست رفتن ارزش زمین، تعدد کاربری‌های غیرمسکونی و نیاز به توسعه‌ی مجدد در نظر می‌گیرند (Sedghi & Nemati-mehr, 2016, p. 174). در ایالات متحده آمریکا نیز کمیته‌ی برنامه‌ریزی شهری فیلادلفیا معیارهای زیر را برای شناسایی نواحی ناکارآمد برمی‌شمارد:

- خیابان‌های ناتمام و غیراستاندارد (خیابان‌های بدون پیاده‌رو و بی کیفیت)
- تعدد زمین‌های بایر
- وجود زمین‌های قهوه‌ای و انباشته از زباله
- اختلاط نامناسب کاربری‌ها

- ارزش پایین ملک (کمتر از یک سوم ارزش خالص ملک در بخش های دیگر شهر)
 - نرخ بالای مالیات ها
 - وضعیت نامناسب شبکه ی حمل و نقل شهری (Sedghi & Nematimehr, 2016, p. 174)
- دیگر فاکتورهای شناسایی و تشخیص بافت های ناکارآمد شهری را می توان مطابق جدول (۱) صورت بندی نمود:

جدول ۱- عوامل اصلی و فرعی برای ارزیابی بافت های ناکارآمد

Table 1- Main and secondary factors for evaluation of distressed urban areas(DUA)

عوامل اصلی	عامل فرعی	توضیحات / معیارها	منابع
عوامل فیزیکی	دسترسی	عدم دسترسی مناسب به خیابان های اصلی و فرعی و عدم وجود تعداد کافی وسایل حمل و نقل عرض کم خیابان ها برای موارد اضطراری	Vigdor, 2010; Philadelphia City Planning Commission, 2006;
	آسیب پذیری ساختمان ها	شرایط نامناسب برای مقابله با بلایای طبیعی میزان بالای تخلف های ساختمانی	California Health and safety code section , 2005: perkins et al., 1992
	میزان فضای باز جلوی ساختمان ها	عدم اختصاص فضای مناسب برای رفاه بیشتر و دسترسی بهتر به خدمات عمومی وجود طراحی های غیرمتعارف برای این فضا	Rosenthal, 2008; ley, 1991; lawless, 2006 ;Cramer Hill Redevelopment, 2004
	قدمت بناها	نشانه های زوال به علت غفلت بلندمدت فرسودگی کالبدی عمر ساختمان ها ۱	Rosenthal, 2008 ; kyuha, 2007 ; constantinus et al, 2005;kiefer, 1980
	جمعیت	نسبت بالای جمعیت به زیرساخت های موجود نرخ رشد جمعیت بالا	Bahi et al., 2008; Richardson & bae, 2000; Bonnes, 1991

Jones et al, . 2010; perkins et al, 1992; kelling & coles, 1988; Taylor et al, 1985	نرخ بالای وقوع جرم، وندالیسم و حس ناامنی، عدم وجود حس مکان و سرمایه‌ی اجتماعی	ناامنی	
Vigdor, 2010; Oregon constitution, 2009; Philadelphia Planning Commission, 2006; barad, 2006; Taylor, 2001	تعداد فراوان منازل متروک به دلیل نقل مکان ساکنین محل، منازل تخلیه شده به دلیل زوال و فرسودگی بناها	بناهای متروکه	
Hurd, 1997; weil, 1997; Edward 1996; ram, 1982	ضعف اقتصادی خانواده‌ها برای برطرف کردن نیازهای اصلی خود و مشارکت پایین نسبت تعداد کارگران به تعداد اعضای خانوار	مشارکت نیروی کار	عوامل اقتصادی
lawless, 1996; Browder, 1995 ; Perlman, 1986; Bourne, 1982; yeatesed & Garner, 1980	تعداد بالای کارگران فصلی یا موقت، وجود مشاغل بدون حقوق یا بدون بیمه	نوع مشاغل	
Rosenthal, 2008; mccarty, 2007; smith, 2004; balchin et al, 1988	سطح پایین درآمد کارگران نشانگر عدم توانایی اقتصادی آنها برای اقدام به نوسازی است سرانه درآمد ماهانه ناکافی	سطح درآمد	
Cummings et al, 2002; dipasquale and glaeser, 1999; sampson and raudebush, 1999	نوع مالکیت دارایی‌ها نشانگر عدم تمایل ساکنین به مشارکت است	مالکیت	
Xin lue, 2010; smith, 2004; Siram, 2003; huu phe, 2002; Tiwari, 1998; Lawless, 1996	میزان ارزش اقتصادی پایین ملک نشانگر طبقه‌ی اجتماعی ساکنین و قدرت اقتصادی آنهاست	ارزش ملک	
Smith, 2004; Bourne, 1982; kiefer, 1980	نرخ نوسازی خودجوش پایین بناها در منطقه	نرخ نوسازی	
Vigdor, 2010; California Health and safety code, 2005; Philadelphia City Planning Commission, 2006	تجمع زباله در زمین‌های بایر یا فضاهای بدون کاربری، نماهای کثیف، کیفیت محیطی نامناسب و امید کم به بهبود شرایط	زیبایی‌های ساختمانی	عوامل زیست محیطی
Oregon constitution, 2009; California Health and safety code section, 2005; Bourne, 1982; yeatesed and Garner, 1980	وجود تاسیسات آلاینده در نزدیکی نواحی مسکونی، وجود آلودگی هوا و آلودگی صوتی در حد آزاردهندگی	سازه‌های آلاینده	
Vigdor, 2010; California Health and safety code, 2005	وجود منابع آب آشامیدنی ناسالم	منابع آب	

(Sedghi & Nematimehr, 2016, p. 175)

سرمایه اجتماعی: دال- مدلول پراکسیس شهری در بافت های ناکارآمد

مفهوم سرمایه اجتماعی اغلب به همراه مشارکت مدنی و موازی با شبکه های همکاری و یکپارچگی است اما مفاهیم بسیار انتزاعی دیگری همراه آن است که عبارتند از: انسجام، اعتماد، معامله به مثل و کارایی نهادی (Franke, 2005: 1). مفهوم مرکزی آن این است که مردم از طریق مشارکت در زندگی جمعی، عضو گروههایی می شوند که هویت، هنجارها، اعتقادات و اولویتهای شان را منعکس کرده و در عین حال هم به این هنجارها شکل می دهند (Suzuki et al, 2010). رابرت پوتنام بیشترین سهم را در عمومی کردن و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی دارد که توانست آنرا از حالت انتزاع در اندیشه اجتماعی و اقتصادی نجات بخشد (Field, Mohan et al, 2005: 1267, Harper and et al., 2009: 11, Tajbakhsh, 2006: 12). مطالعه او درباره دموکراسی، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در ایتالیا، تمایل عمومی شدیدی نسبت به قابلیت سرمایه اجتماعی در بهبود کیفیت زندگی و تسهیل التزام مدنی بوجود آورد (Besser, 2009: 185). در نزد هانا آرنه^۸ پراکسیس نوعی کنش عمومی است که در آن مردم عرصه ی زندگی خود را خلق و از نو می سازند (Parekh, 1998). بطور کلی، در دیدگاه پراکسیس شهری، بافت های خودانگیخته به تعبیر دسوتو جنبشی ست ریشه ای بر علیه بروکراسی دولتی که در آن زاغه نشینان با اتکاء به پیوندهای غیررسمی خود سعی در طفره رفتن از قوانین سفت و سخت حکومتی دارند تا حداقل های زندگی خود را تامین کنند. بدین ترتیب دسوتو از اقتصاد مردمی در مقابل اقتصاد رسمی دفاع و فقرای شهری را «قهرمانان کارآفرین» معرفی می کند. او در پژوهش خود نشان می دهد این فقرا به لحاظ دارایی و تملک اموال کم و کاستی ندارند (Ibid: 45). از این رو او علت فقر ساکنین بافت های خودانگیخته را نه فقدان دارایی، که دخالت مستقیم نهادهای دولتی و حکومتی یا آنچه او «آپارتاید قانونی» می خواند، می داند. در این رابطه، فردریک فون هایک معتقد است که حاشیه نشینی و توسعه بافت های خودانگیخته ناشی از تلاش های فقرای شهری و سیاستی بدیل در مقابل برنامه ریزی از بالا به پایین دولت است. به عنوان مثال ایسترلی (۲۰۰۶) در تحقیقش با نقد سیاست های کنزی که سعی در کاهش معضلات شهروندان از خلال ارائه ی خدمات داشت، این سیاست ها را طرحی غربی از مهندسی اجتماعی نواستعماری و یوتوپایی می خواند که پیشاپیش محکوم به شکست است. او در مقابل حاشیه نشینان را کاوشگرانی می داند که با فعالیت های خود امدادگرانه گلیم خود را از آب بیرون می کشند. از این زاویه کنش های خرد فقرا به مراتب کارآمدتر، اثربخش تر و قابل اتکاتر از سیاست های دولتی است. این کنش های خرد البته نیازمند بستری ست که آزادی اقتصادی می تواند آنرا به بار بیاورد. بدین ترتیب در این رویکرد بهترین خدمت به فقرای شهری آزادسازی آنان از چنگال بروکراسی و برنامه ریزی دولتی و کمک های بین المللی ست تا از این خلال انرژی کارآفرینانه ی آنان آزاد شود (Roy, 2009: 7). بدین ترتیب، نظریه پراکسیس شهری، حاشیه نشینی را به عنوان یک بخش غیررسمی جهت توسعه ی اقتصادی- اجتماعی شهری سودمند می داند. و این روند را ناشی از سوء مدیریت دولت در تخصیص عادلانه ی فضا بین شهروندان تلقی می کند.

عناصر اصلی رهیافت توانمند سازی

تلاشهای موفقیت آمیز به منظور توانمند کردن مردم فقیر باعث افزایش آزادی انتخاب و عمل آنها در بافتهای مختلف می شود. چهار عنصر مشترک رهیافت توانمند سازی عبارت است از:

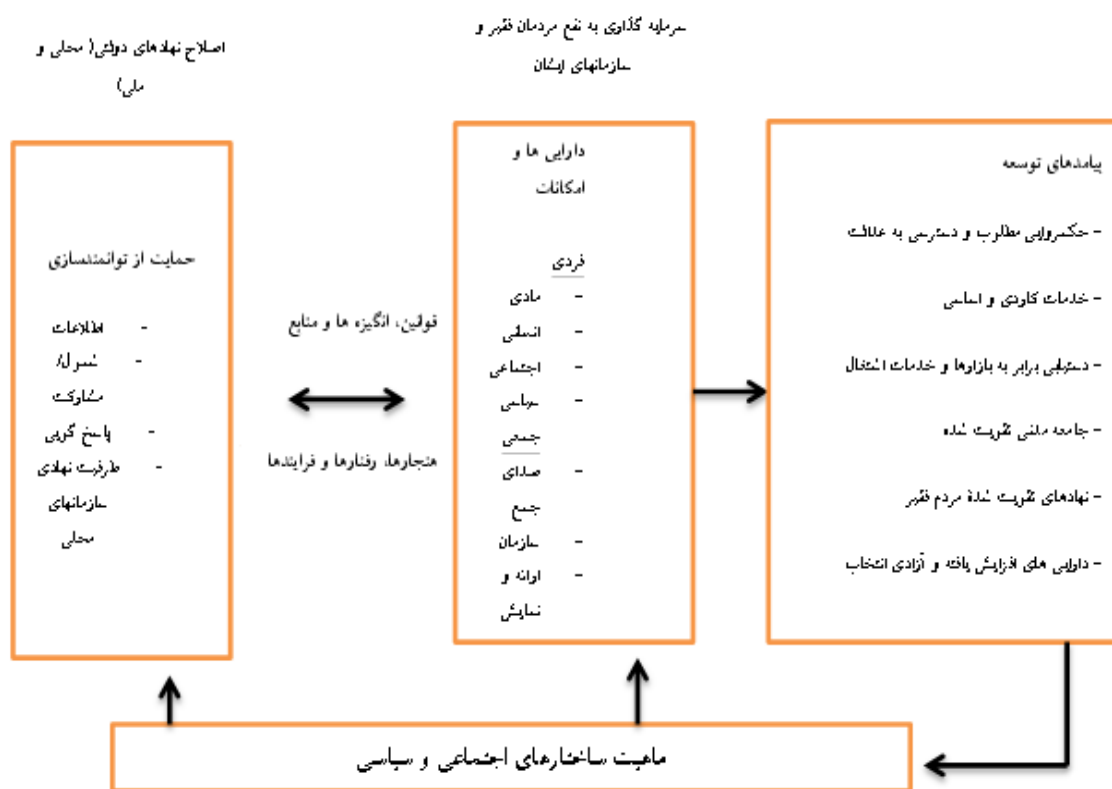
۱- دسترسی به اطلاعات

۲- مشارکت و شمول

۳- پاسخ گویی

۴- ظرفیت سازمانی محلی (Narayan, 2002: 13-14)

شکل (۱) چارچوب توانمندسازی بر اساس شبکه سرمایه اجتماعی را بیان می کند.



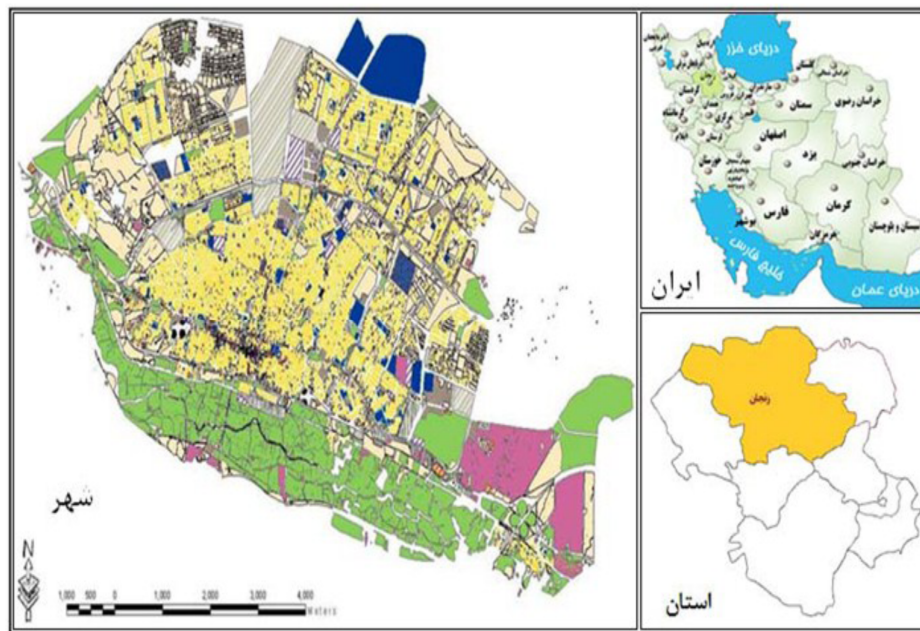
شکل ۱: چارچوب توانمندسازی

Figure 1: framework of empowerment
source: Narayan, 2002:23

این رهیافت افراد ساکن در این نوع سکونتگاهها را نه به عنوان معضل بلکه بعنوان دارایی می نگرد و ارتقای وضعیت اجتماعی- اقتصادی آنها را با نقش تسهیل گر دولت بر عهده خود آنان می گذارد تا تعهد و توانمند سازی را جایگزین فرهنگ استحقاق و فرهنگ فقر بنماید. بنابراین از رهگذر برقراری نظام مشارکتی فعال در چارچوب رهیافتی جامع و سیستمی به ارتقاء شرایط محیطی و کالبدی و توانمندسازی اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی تمام افراد ساکن می پردازد

مواد و روش ها

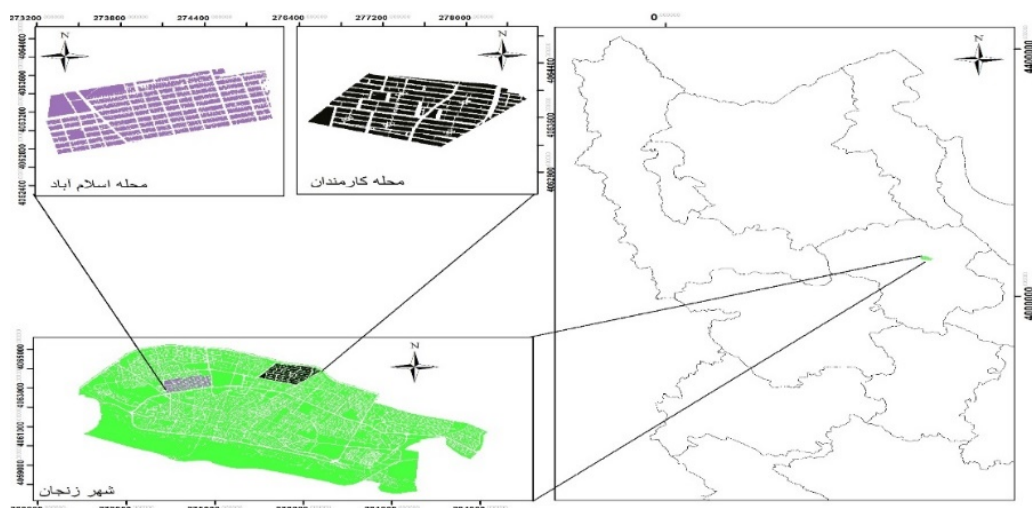
شهر زنجان به عنوان اولین و بزرگ‌ترین نقطه‌ی شهری استان و شهرستان زنجان، یکی از شهرهای میانی کشور در رده‌ی جمعیتی ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفری و مرکز سیاسی- اداری استان محسوب می‌شود. این شهر در فاصله‌ی ۳۳۰ کیلومتری تهران و ۲۹۳ کیلومتری تبریز واقع شده است. بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۵ این شهر دارای جمعیتی معادل ۴۳۳۴۷۵ نفر بوده است، که به عنوان بیستمین شهر کشور از لحاظ جمعیتی محسوب می‌گردد (شکل ۲).



شکل ۲: موقعیت جغرافیایی شهر زنجان

Figure 2: Geographical Position of Zanjan

با توجه به تبیین وضعیت سرمایه اجتماعی در پیوند با توانمندسازی اجتماعات محلی کم درآمد و بافت های ناکارآمد، در این رساله تصمیم بر این گرفتیم که محله بزرگ اسلام آباد را انتخاب کنیم. محله اسلام آباد زنجان در شمال غربی شهر زنجان واقع شده است (شکل ۳) که از حیث سلسله مراتب تقسیمات کالبدی شهر زنجان در منطقه یک شهرداری واقع شده است. محله اسلام آباد یکی از متراکم‌ترین محلات شهر زنجان است. طبق نتایج سرشماری در سال ۱۳۹۰، ۳۵۸۲۰ نفر جمعیت در محله اسلام آباد هستند. از این رو ۱۱٫۲ درصد جمعیت شهر زنجان در محله اسکان غیر رسمی اسلام‌آباد سکونت دارند. از سوی دیگر این محله با ۹۳٫۵ هکتار مساحت، ۱٫۸ درصد از مساحت زنجان را در بر گرفته است. بنابراین با وجود اینکه تنها ۱٫۸ درصد مساحت شهر را شامل می‌شود ۱۱٫۲ درصد از جمعیت شهر زنجان را در خود جای داده است.

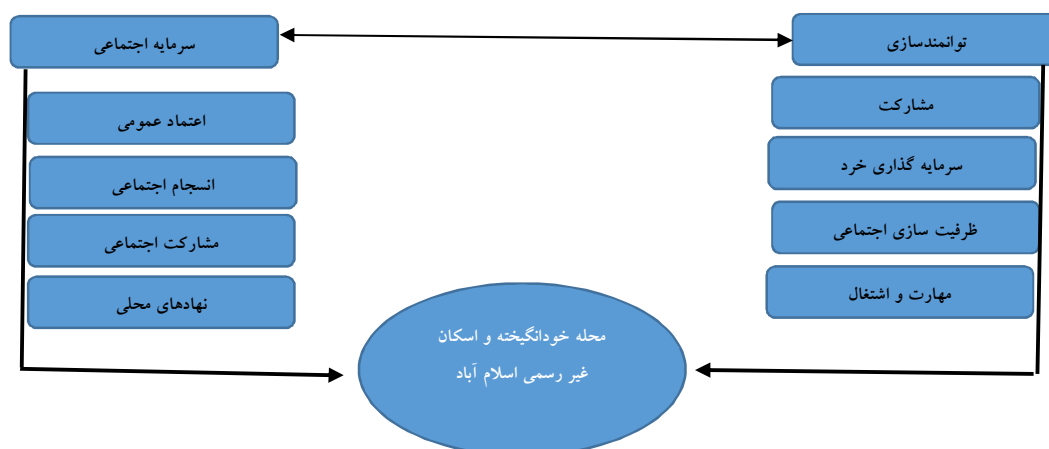


شکل ۳: موقعیت محلۀ اسلام آباد

Figure 3- Position of Islamabad area

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. شاخص های سرمایه اجتماعی با توجه به شاخص های مطرح شده در متون و اسناد نهادهای بین المللی و نهادهایی مانند بانک جهانی و به دست آمده است. واحد تحلیل از نظر مقیاس فضایی محلۀ و از نظر جمعیتی، نفر است. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۱۷۰ نفر در نظر گرفته شده است که برای بهتر شدن نتایج تحقیق به ۳۰۰ نفر افزایش دادیم. روش نمونه گیری تصادفی ساده و ابزار جمع آوری داده هم پرسشنامه بوده است که در قالب طیف لیکرت پنج سطحی (از خیلی کم تا خیلی زیاد) اندازه گیری شده اند. پایایی ابزار تحقیق بوسیله آلفای کرونباخ سنجش شده است. در مدل تجربی زیر ابعاد و شاخص های مورد سنجش بیان شده است (شکل ۴).



شکل ۴ ابعاد و شاخص های سرمایه اجتماعی

Figure 4: dimensions and indexes of Social Capital

جدول ۲ - آلفای کرونباخ سازه های تحقیق

Table 2- Cronbach's alpha of research constructs

متغیرها	سازه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
سرمایه اجتماعی اتصالی BRSC	اعتماد به همسایگان و غریبه ها	۴	۰/۶۰
	همکاری مردم شهر در مسائل بهداشتی و آسیب های اجتماعی	۴	۰/۵۳
	حضور در فعالیتهای مدنی مانند عضویت در نهادهای غیر رسمی (NGO)	۵	۰/۵۵
	وجود نهادهای قانونی برای محافظت از حقوق مالکیت	۶	۰/۶۸
سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی (BOSC)	اعتماد به خویشاوندان و دوستان نزدیک	۵	۰/۷۱
	دریافت کمک مالی از دوستان نزدیک و خویشاوندان	۳	۰/۷۱
	اعتقاد به انجام فعالیتهای اقتصادی و کسب و کار با مشارکت خویشاوندان و دوستان نزدیک	۶	۰/۸۰

مهمترین یافته های توصیفی تحقیق حاضر شامل جنسیت، سواد و تحصیلات، محل اولیه تولد، اشتغال و ... می باشد. براساس نتایج به دست آمده در محله اسلام آباد از ۱۶۰ نفر یعنی ۰/۸۰ درصد پاسخ گویان مرد و ۰/۴۰ درصد زن می باشد. وضعیت تاهل این نتایج را به دست داده است که ۲۳ درصد نمونه آماری در اسلام آباد مجرد و ۸۹/۵ درصد متاهل بوده اند. در بررسی وضعیت سن، داده ها حاکی از این است که در شهرک کارمندان، بیشترین فراوانی مربوط به سنین ۴۱ تا ۵۱ سال با فراوانی ۰/۳۶ و داده های مربوط به تحصیلات حاکی از این است که در اسلام آباد ۴۳ درصد نمونه آماری دارای مدرک دیپلم و پایین تر بودند و بیش از ۳۲ درصد فوق دیپلم داشته اند. بیشترین مقدار سطح درآمد در اسلام آباد مربوط به محدوده ۴ تا ۸ میلیون تومان در ماه با ۴۷ درصد از کل نمونه است. در اسلام آباد ۶۲/۵ درصد بیکار و ۳۷/۵ درصد خود را شاغل معرفی نموده اند. در اسلام آباد هم بیشترین درصد شاغلان با ۲۶/۶۶ درصد کارمند بخش دولتی (اغلب شاغل در آموزش و پرورش) و ۲۴ درصد بقال و مغازه دار خرد بوده اند.

سنجش میزان همبستگی بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی

نتایج مربوط به بررسی رابطه بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی براساس ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد، نمی توان رابطه معناداری از ارتباط بین مولفه های (مشارکت و اعتماد اجتماعی)، (مشارکت اجتماعی و نهادهای محلی) استنباط کرد به عبارتی، افزایش یا کاهش میزان و کیفیت مولفه ی مشارکت اجتماعی هیچ تاثیری بر روند افزایشی و یا کاهش مولفه های اعتماد اجتماعی و نهادهای محلی ندارد و بالعکس (جدول ۳).

جدول ۳- ماتریس همبستگی ابعاد سرمایه اجتماعی

Table3- Correlation matrix of social capital dimensions

اعتماد اجتماعی	همبستگی	۱	اعتماد اجتماعی	نهادهای محلی	مشارکت اجتماعی	انجام اجتماعی
پیرسون	۰,۱۵۲*	۰,۰۳۰	۰,۱۵۱*	۰,۰۲۵	۰,۶۶۳	۰,۰۲۵
سطح معناداری	-	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶
همبستگی	۰,۱۵۱*	۱	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶
پیرسون	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶
سطح معناداری	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶
مشارکت اجتماعی	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶
همبستگی	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶
پیرسون	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶
سطح معناداری	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶
انجام اجتماعی	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶
همبستگی	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶
پیرسون	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶
سطح معناداری	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶
جمع	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶	۰,۰۲۶

* سطح معناداری : یک درصد ؛ ** سطح معناداری : پنج درصد

طبق اطلاعات جدول بالا می توان این چنین نتیجه گرفت که ارتباط تنگاتنگی بین مولفه های نهادهای محلی و انجام اجتماعی (سطح معناداری ۰/۰۲۶-) برقرار است؛ به این صورت که به تناسب بهبود میزان و کیفیت کارکرد نهادهای محلی در شهر، بایستی انتظار افزایش میزان انجام اجتماعی را داشت.

آزمون تاثیر شاخص های سرمایه اجتماعی بر توانمند سازی مردم اسلام آباد

در مرحله بعد جهت مشخص کردن سهم هر کدام از چهار شاخص اشاره شده (به عنوان متغیر مستقل) بر کیفیت توانمندسازی (به عنوان متغیر وابسته) از روش تحلیل رگرسیونی استفاده می شود. تحلیل رگرسیون این امکان را برای محقق فراهم می کند تا تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین کند (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۶۹). برای پی بردن به اهمیت و نقش متغیرهای مستقل در پیشگویی معادله ی رگرسیون باید از مقادیر (β) استفاده کرد. از آنجا که مقادیر β استاندارد شده می باشند، بنابراین از طریق آن می توان در مورد اهمیت نسبی قضاوت کرد. در واقع بزرگ بودن مقادیر β نشان دهنده ی اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی متغیر وابسته می باشد (ابراهیم زاده و آقاسی زاده، ۱۳۹۰: ۱۹). به عبارت دیگر در این روش می توان از ضرایب β برای تعیین اهمیت نسبی یک متغیر مستقل استفاده کرد. در واقع این ضرایب نشان دهنده میزان تاثیرگذاری هر یک از متغیرهای مشاهده شده بر متغیر پنهان است (Rafiyan et al., 2010: 79).

جدول ۴ - تحلیل تاثیر شاخص های سرمایه اجتماعی بر مبنای تحلیل رگرسیونی

Table 4- Analysis of the impact of social capital indicators based on regression analysis

متغیر مستقل	متغیر وابسته	R	R2	β	آزمون T	Sig
اعتماد اجتماعی (عمومی - نهادی)	توانمندسازی محله اسلام آباد	۰/۸۱	۰/۶۳	۰/۸۱	۲۵/۷۳	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی	توانمندسازی محله اسلام آباد	۰/۷۲	۰/۷۲	۰/۷۲	۲۲/۷۱	۰/۰۰۰
انسجام اجتماعی	توانمندسازی محله اسلام آباد	۰/۶۲	۰/۳۸	۰/۶۲	۱۷/۴۵	۰/۰۰۰
نهادهای محلی	توانمندسازی محله اسلام آباد					

جدول (۴) نشان می دهد که بر طبق مقادیر β در بین متغیرهای مستقل مورد نظر تحقیق، متغیر اعتماد اجتماعی (عمومی - نهادی) با سطح اطمینان ۹۵ درصد بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته تحقیق یعنی توانمندسازی محله اسلام

آباد داشته است. چرا که مقدار (β) آن $(0/81)$ می باشد. بعد از اعتماد اجتماعی نیز شاخصهای مشارکت اجتماعی (β) ، $(0/72)$ و انسجام اجتماعی با مقدار (β) ، $(0/62)$ به ترتیب دارای بیشترین تاثیر بر متغیر وابسته مورد نظر بوده اند.

نتیجه گیری

پیچیدگی های مناسبات و روابط اجتماعی اقتصادی در جهان معاصر هم باعث تجدیدنظر در راه حل های سستی و هم بازساخت نهادی ناظر بر راه حل های نوین شده است. مهمترین دگرگونی در نظریه و عمل توسعه همانا فهم قدرت شبکه های اجتماعی و سرمایه اجتماعی در برخورد با پدیده های اجتماعی اقتصادی مانند بافت های ناکارآمد و اسکان غیر رسمی است که زمینه ناپایداری توسعه شهری را فراهم آورده است. توانمندسازی، استراتژی موازی سرمایه اجتماعی است این استراتژی توسط نهادهای تاثیرگذار جهانی مانند بانک جهانی به منظور دست یافتن به اهداف هزاره در زمینه توسعه و کاهش موثر فقر بوده است. توانمندسازی سکونتگاه های غیر رسمی و بافت های ناکارآمد شهری به دنبال برقراری پیوند افقی بین شهروندان و نهادهای مدیریت شهری برای جایگزینی روابط و مناسبات شبکه ای با وضعیت های سلسله مراتبی موجود است تا با پلان برنامه ریزی از پایین به بالا و نقش موثر شبکه های اجتماعی زمینه پیوند فضا- مکان- اجتماع محلی را برقرار سازد. به زعم اندیشمندان توسعه شکل گیری حس مکان و حس اجتماع همانا زمینه ساز هم افزایی نیروهای نهادی و انرژی های شبکه های اجتماعی است که ضمن پایین آوردن هزینه های رشد، ارزش افزوده فراوانی برای محافظت از رشد و توسعه پایدار ایجاد خواهد کرد.

چنانکه در تحقیق ما مشخص شد و در جدول (۴) نیز به صورت کمی و آزمون رگرسیونی نشان داده شده است شاخص های متغیر سرمایه اجتماعی به غایت تاثیر زیادی در توانمندسازی اجتماع محلی اسلام آباد دارد. با توجه به بافت اجتماعی - اقتصادی متباین موجود در محله و ساختار سستی روستایی - شهری - حاشیه ای در این محله توجه به سرمایه اجتماعی در بازساخت هویت محله ای ایشان نیز به عنوان کنشگران موثر فضای شهری بسیار تاثیرگذار است.

References

- Babakhani, M., Zebardast, E., Izadi, M., S., (2015), Explaining the principles of renovation in inefficient urban contexts with the aim of improving residential satisfaction, scientific-research Journal of the Scientific Association of Architecture and Urban Planning of Iran, PP: 807- 885.[In Persian]
- Besser T.(2009), Changes in small town social capital and civic engagement, Rural studies, No.25, p: 185-193
- Chuang Y.C, Chuang K.Y,(2008), Gender differences in relationships between social capital and individual smoking and drinking behavior in Taiwan, Social science and Medicine, No.67,pp: 1321- 1330
- Dale, C., & Anderson, T. (Eds.). (2229). Safety-Critical Systems:. Brighton: Springer.
- Field J., (2009), Social Capital, translated by, Ghaffari, G., and Ramezani, H., Published by Kavir. [in Persian]
- Harper R., Kelly M.(2003), Measuring social capital in the united kingdom, available at: statistics.gov.uk/social capital
- Mohan J., Twigg L.,Barnard S., Jones K.(2005), Social capital, geography and health: a small- area analysis for England, Social science and Medicine,No.60, pp: 1267-1283
- Narayan Deepa (2002), Empowerment and Poverty reduction; a source book, the World Bank press.
- Obermayr, Christian.(2017) Sustainable City Management: Informal Settlements in Surakarta, Indonesia, edition 2, Gewerbestrasse, Switzerland: published by Springer Nature
- Poortinga W.(2006), social relations or social capital? Individual and community health effects of bonding social capital, social science and medicine, No.63, pp: 255-270
- Sedghi, V., & Nematimehr, M. (2016). Identification and prioritization of decline factors in Karaj distressed areas by applying the fuzzy analytic hierarchy process (FAHP). Architect. Eng. Urban Plan, 173-182.
- Spelleberg A.(2001), Framework for the measurement of social capital in new Zealand, new Zealand statistics
- Suzuki E., Takao S. Subramanian SV., Kumatsu H., Doi H., Kawachi I. (2010), Does low work place social capital have detrimental effect on worker's health? Social science and Medicine, No.70, pp: 1367- 1372

The Role of Social Capital and Communities in Empowerment of Defective City contextThe Case of Study Islamabad Area of Zanjan

Abolfazl Mohammadi¹, Ibrahim Taghavi^{2*}, Karim Hosseinzadeh Dalir³

¹Department of Urban Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.

²Department of Geography and Urban Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.

³Department of Urban Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.

Email: Taghavi2014@gmail.com (Corresponding author)

Introduction

Empowerment is the expansion of the assets and the capabilities of the poor people in order to participation, bargaining, being effective, control and maintain of responsible institutions that affect their living. From this point of view, empowerment is not merely use of the government treasury, but creating the environment for the use of the local resources of these communities in order to improve the economic and social situation. The important context of these resources is the power of civil networks and social capital. Social capital includes aspects of social structure that facilitate collective action and provide resources for people to achieve their goals.

Materials and method

The current research is of applied type and descriptive-analytical research method. The indicators of social capital have been obtained according to the indicators presented in the texts and documents of international institutions and institutions such as the World Bank, etc. In terms of spatial scale, the unit of analysis is neighborhood and in terms of demographics, it is people. Using Cochran's formula, the sample size is 170 people, which we increased to 300 people to improve the research results.

Discussion

According to the beta (β) values, among the independent variables of the research, the variable of social trust (public-institutional) with a confidence level of 95% has had the greatest effect on the dependent variable of the research, i.e. the empowerment of Islamabad neighborhood. Because its (β) value is (0.81). After social trust, indicators of social participation (β), (0.72) and social cohesion with value (β), (0.62) respectively have the greatest impact on the desired dependent variable.

Conclusion

The most important transformation in the theory and practice of development is the understanding of the power of social networks and social capital in dealing with socio-economic phenomena such as inefficient structures and informal settlements, which have provided the ground for the instability of urban development. As it was determined in our research and it is also shown quantitatively and regression test in Table 4, variable indicators of social capital have a great impact on empowering the local community of Islamabad. Considering the diverse socio-economic context in the neighborhood and the traditional rural-urban-marginal structure in this neighborhood, paying attention to social capital in rebuilding their neighborhood identity is also very effective as effective actors of the urban space.

Keyword: Social capital, local communities, empowerment, dysfunctional context